

## رابطه جنسي و تمدن

نادر شريفی

sharifi@ayneh.com

<http://www.ayneh.com>

۲۰۰۳/۱۰/۱۹

### مقدمه:

چندی پیش سئوالی دریافت کردم که در یک بحث دو نفره مطرح شده بود. طرف پر و پا قرص ممنوعیت رابطه (آزاد) جنسي از نوع اسلامي اش این سئوال را مطرح کرده بود:

**اگر بی حجابی و سکس آزاد نشانه تمدن است، پس همه حیوانات از ما متمدن ترند! چرا که آنها همیشه لختند و همیشه هر کدام از آنها با دیگریشان سکس دارند!**

دوست جوانمان در مقابل این سئوال جوابی پیدا نکرده بود. برای همین او طی نامه ائی خواسته بود که در صورت ممکن به این سئوال بپردازیم و به آن جواب دهیم.

من بسهم خودم در این مقاله سعی می کنم که نظرات و تحقیقات مختصر خودم را در اختیار این دسته از جوانان قرار دهم تا آنان در آینده بتوانند به این گونه از سئوالات جواب قانع کننده خود را بدهند! چرا که چیز نهفته در اینگونه سئوالات (که در واقع جوابش را بنظر خودشان هم در آستین شان دارند) نه عمق بیان حقیقت و واقعیتی شگفت آور است، بلکه ذهن از قبل تربیت شده توسط مذهب است که به آنان صورتی اصولی و معقولی می دهد!

### چند سئوال:

- ۱- یک بینی، یک دهان، یک گوش، اعضای تناسلی و جنسي مردان و یا زنان! چرا در فرهنگهای مختلف بشری اعضاء و ارگانهای از جسم انسان بنمایش گذاشته می شوند و عضوهای دیگری پنهان، کم ارزش و یا حتی زشت و پست معرفی می شوند؟ و چرا اعضائی از جسم و یا رفتارهای (طبیعی) از انسانها در میان مذاهب و فرهنگهای بشری آمیخته به آن چنین تابو اعلام می شوند؟ مانند آلت جنسي زن و یا عمل خودارضائی!
- ۲- چرا تصور ادرار مسیح و یا محمد و یا گوزیدن مریم و یا عادت ماهانه فاطمه و غیره نه تنها در میان معتقدین به مذهب بلکه در میان "سکولارها" نیز چنین غیر قابل تصور و دور از ذهن و نابدیهی بنظر می آید؟
- ۳- چرا ما انسانها با افتخار دندانهای سفید خود را بنمایش می گذاریم اما در سختترین حالت خستگی، از نشان دادن خمیازه تا حلق خود صرفنظر می کنیم؟ و یا بطور مثال چرا آروق زدن در بعضی از تمدنهای بشر چنین زشت و خارج از "عرف و عادت" بیان می شود؟
- ۴- آیا ممکن است که ارگانهای تناسلی انسانها از آنجا که نزدیک به ارگانهای ادرای قرار دارند، کثیف و ناپاک اعلام می شوند؟ و یا نه کلا ارگانهای تناسلی کثیف و یا حتی "حیوانی" (؟) می باشند؟

اما تا چندصد سال پیش ادرار و دفع مدفوعات جسمی در اذهان عمومی، عملی، مانند امروز، خلاف آداب و نزاکت جمعی نبود! انسانها در میان جمع و در مراکز عمومی به "واجبات" خود جواب می دادند! و حتی برای نشان دادن شعف خود بروی آسمان تف می کردند! هم اکنون در جوامع زیادی عمل ادرار و یا گوزیدن در جمع، عملی غیر عرف و خلاف ادب تعریف نمی شود. بعنوان مثال در آمستردام توالتهای سرپائنی ساخته شده است که انسانها مجبور نباشند با کنترل خود به جسم خود ضرر بزنند. در این جامعه نسبتاً متمدن دعوا سراین نیست که چرا به امر طبیعی انسانها رسیدگی می شود بلکه دعوا سر آن است که چه راه حلی برای توالت سرپائنی زنان می توانند پیدا کنند؟

### ۱- پنهان کردن اعضای تناسلی و جنسي

براستی ممنوع و تابو کردن نمایش اعضای جنسي گذشته ائی درازتر از آزادی در پوشش اجزای بدن دارد! سینه زن را میتوان بعنوان نمونه مثال آورد! سینه زن شیرده، (می گویند) که کمتر با خود انگیزه

های جنسی به همراه می آورد! برای همین حتی امروز در خیلی از کشورهای اسلام زده نشان دادن پستانهای زن در هنگام شیردهی نوزاد عملی همراه با مجازاتهای سنگین نیست! و حتی از نظر اسلامی جایز اعلام شده است. اما همین عمل در مواقع عادی، یعنی نشان دادن حتی قسمتی از سینه زن، عملی است غیر قابل بخشایش و محکوم به مجازاتهای سنگین!

نتیجه اینکه "ایراد کار" نه در نشان دادن اعضای تناسلی است بلکه "امکان برانگیختن حس لذت و جاذبه جنسی" است و همین می تواند بخش اصلی مبنای قوانین و تفاسیر مذهبی در رابطه با پنهان کردن و یا عدم ضرورت در پنهان کردن اعضای جسمی انسان باشد!

### برتری انسانها از حیوانات و یا برگزیدگی خداوندی انسانها؟

ویلیام جردن<sup>۱</sup> می نویسد: ما اجازه داریم تنها پشت درهای بسته لذت ببریم! برای اینکه بر اساس داستانهای مذهبی ما مخلوقات خدائیم و بایستی نمونه انی از وجود او باشیم! و همین بما اجازه نمی دهد، همانطور که هستیم و می خواهیم باشیم! رفتار کنیم و از زندگی حداکثر لذت ممکن را ببریم!

**اولا:** همگی ما با داستانهای خلقت و برگزیدگی بشریت از میان دیگر موجودات آشنائی داریم. بر اساس این روایتها حیوانات و اعمال حیوانی به مجموعه اعمال و رفتاری گفته می شوند که در کل اجازه آنان را از "خدا و یا نماینده خدا (ولی)" نگرفته باشیم! این یعنی زیر پا گذاردن اصول فقهی و مذهبی! یعنی اطاعت نکردن کور از فرامین چند (صد) هزار ساله! یعنی اطاعت مطلق و عجز مطلق انسانی در مقابل قدرت مطلق باری تعالی!

حیوان و حیوان بودن یعنی پست بودن! و بر همین اصل: انسان، حیوان است اگر انتخاب آزادانه بکند! سعی در تعریف چهارچوب زندگی و اسلوب زندگی خود کند! از نظر اینان انسان حیوان است اگر انتخاب آزادانه کند و بر اساس خواست، نیاز و کشش واقعی و طبیعی خود عمل کند! انسان حیوان است اگر خود برای ایجاد رابطه جنسی اش پارتنری جستجو کند! انسان حیوان است اگر خود در مورد آینده اش، جسم اش، طرز رفتارش، نشست و بلند شدنش و یا چه کسی خوابیدنش و یا چه موقع خوابیدنش تصمیم بگیرد. انسان پست می شود برای اینکه دیگر "اعمال خود" را خود بدست گرفته است! بهشتی نیست! جهنمی است!

چرا جهنمی است؟ برای اینکه به فرامین مذاهب پشت کرده است! داستانهای هولناک برای ترساندن او می سازند! در این دنیا سنگسارش می کنند و در دنیای دیگر قرار است به آتش بیندازندش! در مقابل اش اطاعت و فرمانبرداری محض است، جای فرمانبران در بهشت است! قرار است حوری های بهشتی در آن دنیا همه جوره به جنس مذکر فرمانبران این جهانی حال بدهند! اما این وسط به زن فرمانبر قرار است چه چیزی برسد؟ آیا او هم اجازه دارد با ملائک بهشتی همه جوره حال بکند؟ و شوهر زمینی اش را به این ملائک بفروشد؟

بلا بدور!! زن چه در این دنیا و چه در آن دنیا باید پاک بماند! حتی صورتش را نه در این دنیا نه در آن دنیا کسی اجازه ندارد ببیند! در آن دنیا می رود پیش فاطمه و روزه می گیرد و عزاداری می کند! و آنقدر گریه می کند تا بی هوش شود تازه وقتی بهوش می آید، روز از نو، روزی از نو!

اما برای "انسان" شدن و "حیوان نبودن بایستی چه کار کرد؟ اطاعت محض!! از رهبر و ولی امر شرط اول آن است! اجازه گرفتن از لباس پوشیدن تا ایجاد و یا عدم ایجاد رابطه جنسی. مگر بغیر از این است که ما گوسفندانی هستیم که احتیاج به چوپان داریم! اما چوپانان ما کیستند؟ پیامبران، امامان، ولی فقیه، مجتهدان، سایه (های) خدا و اگر بخواهیم کمی تخفیف دهیم بزرگان قوم و قبیله!

بر همین اساس در رابطه جنسی ازدواج رسمی و مذهبی امری است آسمانی! پاک است! باکره است! دست نخورده است! و باید دست نخورده بماند! بایستی با دستور خلیفه خانواده، شهر و دولت روی هم سوار شویم و با دستور او آنقدر گرسنگی جنسی بکشیم تا بمیریم! از مذهب (اسلام بخصوص) مجموعه این دستورات را بگیرد دیگر چیز چندانی برای تفسیر نمی ماند!

ولی اگر فکر می کنید که بعد از ازدواج مذهبی و اسلامی از زندگی و سکس و رابطه جنسی "برگزیده خدا" لذت خواهید برد، سخت در اشتباهید! مذاهب همیشه مشکل بزرگی با لذت بردن انسانها داشته و دارند! اگر رابطه جنسی را حتی در میان رابطه زناشویی آزاد می کند نه از برای لذت بردن

**بلکه برای جفت گیری و تنازع بقاست!** مذاهب کلا قادر به شناسایی و پذیرفتن چیزی بنام سکس و لذت بردن در رابطه (آزاد) جنسی نیستند.

در مورد زنان این امر حتی بطرز بیمارگونه ائی بشدت افراطی تر است! اگر مردان در "کشتزار زنان" اجازه دارند تخم شان را (لااقل) بکارند! زنان تا ابد محکوم به روزه گیری و خودآزاری اند! لذت بردن برای زنان یعنی در آتش جهنم سوختن! سکس و رابطه جنسی برای زنان! آنوقت معنا پیدا می کند و امری است بایدی! وقتی که مرد مسلمان و متدین اش بخواهد! اگر مرد او متدین نیست! این زن اجازه ندارد با او بخوابد! بایستی بلافاصله طلاق بگیرد و جسم اش را در اختیار مرد متدین قرار دهد! زنان اما هیچگاه اجازه ندارند، خواست و کشش جنسی خود را نشان دهند! فلسفه مثله کردن زنان در کشورهای اسلامی نیز از همین جا سرچشمه می گیرد. در این کشورها زنان را مثله می کنند برای اینکه برای همیشه لذت (جهنمی) سکس و احساس جنسی در آنان نابود شود، می دوزندشان برای اینکه دهانه آلت تناسلی تنگ تر شود تا مرد مسلمان بیشتر لذت ببرد! **حقیقتا پیشرمی مطلق است که این مذاهب و مذهبیهون به تمدنهای بشری حمله کنند و آزادی انتخاب و لذت و تمایلات طبیعی انسانی را برای همگان (چه زنان و چه مردان) ذلیل و "حیوانی" بنامند! و وانمود کنند که اینان والا و برترند و دیگران پست تر و حیوان تر!**

اما برآستی چرا مذاهب، هیچکدام نمی توانند برای لذت بردن و رابطه جنسی (بدون اصل تنازع بقاء و تولید مثل) نقشی قائل شوند؟ آیا انسانهایی که خواهان لذت بردند، حیوانی اند، یا (به معنی عقب ماندگی و ارتجاع) مذهبیهونی که فکر می کنند: حیوانات این چیزها را نمی شناسند؟ و فقط هرجا با هر جفتی جفت گیری می کنند؟

بایستی به اینان گفت (البته چندان هم فایده ائی ندارد) که شما همانقدر از انسان و تمدنهای انسانی بی خبرید که از واقعتهای طبیعی و علوم زیست شناسی!

علم زیست شناسی تفاوت جدی بین رابطه جنسی انسانها و دیگر موجودات تکامل یافته مهره دار بخصوص با شامپانزه ها قائل نیست! ساختار ژنی شامپانزه ها تنها ۲ درصد با ساختار ژنی انسانها متفاوت است! برای همین شامپانزه ها نزدیک ترین نوع موجودات از نظر ژنی و ساختمان بندی جسمی به انسانها هستند! و این بمعنای "حیوانی بودن و یا کم ارزش بودن انسانها نیست" بلکه بمعنای کاملاً طبیعی بودن رفتار و رابطه جنسی همه موجودات بخصوص موجودات پیشرفته و از جمله انسانهاست!

**دوما:** اصل لذت بردن از رابطه جنسی هم امری منحصر به انسانها نیست! بعنوان مثال حشره ائی بنام *Cacoxenus indagator*

رفتار کاملاً شبیه به رفتار انسانی دارد. جنس نر این حشره خود را به جنس مونث نزدیک می کند، با پاهای جلوبش روی شکم جنس ماده می مالد، بعد بالهایش را باز می کند و با تکان دادن بسیار سریع آنان، صدائی بوجود می آورد که بیشتر جنبه جلب علاقه دارد. در صورتی که جنس مونث علاقه ائی از خود نشان دهد، حشره مذکر آلت جنسی مونث را قبل از اینکه حدود ۲۰ دقیقه با او ارتباط جنسی برقرار کند، می لیسد! چیزی بنام تجاوز در میان این حشرات و یا دیگر حیوانات تقریباً مشاهده نشده است (البته در میان مسلمانان و مذهبیهون هر شب میلیونها بار اتفاق می افتد!!).

**سوما:** در جهان واقعی ما (و نه صوری شما) نه تنها انسانها بلکه حیوانات زیادی ارتباط جنسی خود را تنها بر اساس تولید مثل بنا نگذاشته اند! در میان حیوانات مهره دار بعنوان مثال گاو نر و اسب آنقدر با پاهای خود به اعضای جنسی خود می مالند تا از آلات جنسی آنان مایع اشپرم خارج گردد! میمونها به خاطر دستان تکامل یافته خود (حتی جنس مونث آنان) خود و یکدیگر را ارضاء می کنند! در میان میمونها حتی مشاهده شده است که میمونهای مونث با دیدن و مشاهده آلات جنسی مردان، خود ارضائی می کنند! هم جنس گرایی چه در میان جنس مونث و چه در میان جنس مذکر حیوانات پیشرفته امری است طبیعی (بر خلاف قوانین مذهبی و اسلامی که برای خودشان و مراکز حوزه علمی شان آن را "قانونی" اعلام کرده اند اما برای عموم مردم همراه با مجازات سنگسار و اعدام شده است!)

رابطه هم جنس گرایی در میان سگان (شاید برای همین نجس اند!)، گربه ها، موشها، خرگوشها، بزها، خوکها، شیرها، گوسفندان، گاوان، کبوترها و و تا ماههای متوالی و پشت سرهم مشاهده شده است! رابطه چند سره (هتروسکسوتل) نیز تنها در میان انسانها یافت نمی شود! اینگونه رفتار در میان شیرها و کبوترها و و نیز بوفور مشاهده می شود! فقها، علمای مذهبی و خدمت کاران

علمی آنان بی علت اینگونه نمونه‌ها را مخفی و پنهان نمی‌کنند! و برای دانشمندان و آزاداندیشان حکم مرگ و شکنجه و و و صادر نمی‌کنند! آنان بخوبی می‌دانند که سقف مذهبی خانه آنان بشدت ترک برداشته است و تنها با مخفی و سرکوب کردن آزادی و آزاداندیشی است که می‌توانند چند صباحی به نگهداری ساختار جوامع به حالت موجود ادامه دهند!

نمونه هم جنس گرایی، نمونه بسیار روشنی در این است که نه تنها انسانها بلکه حیوانات نیز ارتباط جنسی را تنها برای تنازع بقاء نمی‌خواهند! حالا بایستی از مذهبیون پرسید: که آیا شما عقب افتاده، مرتجع و کوتاه نظرید؟ یا حیوانات و یا انسانهایی که از حیات خود می‌خواهند لذت ببرند؟ و این را حق خود می‌دانند که خود انتخاب کنند و بر اساس "طبیعت خود" می‌خواهند عمل کنند؟ حتی در نزدیکترین گروه حیوانات به انسانها، بونوبوسها (نوعی از شامپانزهها) رابطه جنسی، بخش مهمی از رفتار گروههای اجتماعی این حیوانات را تشکیل می‌دهد! حتی بعد از زد و خورد و دعوا بونوبوسهای نر دست همدیگر را می‌گیرند و از لب همدیگر بوسه می‌گیرند! (کاشکی این مذهبیون آدم نما کمی از اینگونه حیوانات یاد می‌گرفتند و با کمترین ایرادی هزاران انسان و جوان بی‌گناه را به گورستانها نمی‌فرستادند! و انواع شکنجه‌ها، تجاوزات جنسی و روحی جزو برنامه و پایه و اصول اصلی حکومتی شان نبود!!) بعضی مواقع حتی زبان همدیگر را هم می‌مکند! زنان این میمونها همدیگر را ارضاء می‌کنند! و با همدیگر هم خوابگی می‌کنند!

**چهارما:** این هم حقیقت ندارد که حیوانات هر جا و همیشه جفت گیری میکنند. اما این دلیل بر پابندی به مزخرفاتی بنام عرف و مذهب و یا نزدیکی نسبی آنان به خدای شما نیست. این هم امری است، طبیعی! حیوانات مانند انسانها سیکل مشخصی از نظر فیزیکی برای ایجاد رابطه جنسی دارند (باز هم بر عکس شما که فکر می‌کنید، زنان بایستی همیشه آماده و پذیرای مردانشان باشند!! و یا برای راحتی کارتان چند زن گزینی را اما نه چند مرد گزینی را آزاد اعلام کردید). مثلا شامپانزه‌ها هر پنج تا شش سال آماده جفت گیری می‌باشند! (کاشکی مذهبیون ما هم اینجوری بودند!! جهان کمی از دستشان آرامش بیشتری داشت!) اما هنگامی که آماده می‌باشند، تمام سعی خود را برای حداکثر استفاده از این زمان کوتاه می‌کنند! و برعکس اش طی زمان نگاهت رابطه جنسی مهمی ندارند!

### تابوهای جنسی متضاد با اصول طبیعی

تمدن‌های بشری به نسبت رهائی و دوریشان از مذاهب و خرافات مذهبی و به همان نسبت رشد و رونق علوم (و بخصوص علوم طبیعی) درک بهتر و مدرنی‌تری نیز در ارتباط با رابطه جنسی، لذت و تولید مثل پیدا کرده‌اند! رهائی از بند خرافات و تابوهای مذهبی، نگاه و دید دیگری نیز به رابطه جنسی و سکس داده است. از همین روی تمدن می‌تواند نقش مهمی در دید به سکس و رابطه جنسی به انسانها ایفا کند!

امروزه انسانها قادرند آناتومی جسمی- فیزیکی انسانها را تعریف و توضیح بدهند! تمایز جنسی خود را با دیگر موجودات تحقیق کنند. این تفاوتها، امری است طبیعی و فیزیکی! ربطی به پستی و یا خداگونگی انسانها ندارد! زمان هیپات را می‌شناسند! دوران مختلف رشد و افول جسم بشری را تعریف کرده‌اند. برای انسان مشخص کرده‌اند که رابطه جنسی مانند نفس کشیدن، غذا خوردن، خوابیدن، ارتباط اجتماعی، ضروری است! بشریت متمدن متوجه شده است! هم جنس گرا بودن مساوی اعدام شدن آنان نیست! آلت جنسی زن همانقدر به خودش تعلق دارد که آلت جنسی مرد! اگر احتیاج دارد، بایستی امکانش را داشته باشد در آزادی کامل همتای خود را پیدا کند و ایجاد رابطه کند! اصل آزادی در ارتباط جنسی، اصلی مفرد و مجزا از دیگر دست آوردهای انسان پژوهش‌گر و متمدن نیست! آزادی جنسی بخشی از آزادی انتخاب، آزادی در گفتار و رفتار و و و انسانهاست. بخشی از امر لاینفک انسانها برای تعیین مسیر زندگی آنهاست! امر من است! امر فرد است! امر خصوصی هر انسانی است!

مجموعه روابط متمدن و انسانی شناخته شده با "خداگونگی انسانها" قابل تعریف نیستند! و لی این روابط نه تنها با مخالفت با اصول و تئوریهای طبیعی نیستند، بلکه عین و در بستر علوم طبیعی جواب گرفته‌اند! مذهب در لایه تابو سازی، انگ و وصله حیوانی زدن به رابطه انتخاب شده انسانها، با وعده مجازاتهای سنگین تنها می‌خواهد جلوی آزادگی و بازگشت انسان به انسان و آزادگی و عظمت واقعی او را بگیرد.

اصل عمومی تمامی جهان عبارت است از: تنازع بقا و واگذاری میراث ژنی هر جنس منحصر بفرد به نسل بعدی خود! بنابر این جفت‌ها جفت گیری می‌کنند، هر وقت موقعیت برای واگذاری و میراث ژنی

وجود داشته باشد! اما هرچقدر موجودی متکامل تر شده باشد، به همان نسبت رابطه بین کمیت و کیفیت جنسی تفاوت پیدا می کند. و ایجاد رابطه جنسی را تنها در بطن تنازع بقا نمی بیند!

هم اکنون در ایالات متحده آمریکا از هر هزار ارتباط جنسی حتی یکی از آنهم برای تنازع بقا و واگذاری ژنی نیست! همانطور که بالاتر هم اشاره کردم این هم تنها مختص جوامع متمدن انسانی نیست! اما ناپستی فراموش کرد و ناگفته گذارد در جوامع حیوانی، حیوانات لافل آزادند پارتنر خود را انتخاب کنند، رابطه جنسی برقرار کنند، هم جنس گرا باشند! ولی در جوامع اسلام زده حتی انسانها از این ابتدائی ترین حقوق حیوانی- انسانی خود نیز محرومند! برآستی جوامع حیوانی از جامعه اسلامی شما متمدن تر و آزادتراند!

## نتیجه:

- ۱- کسی مدعی آن نیست که رابطه آزاد ربط مستقیمی به تمدن دارد! اما تمدن، علم و تفکر آزاد کمک می کنند و کرده اند که زنجیرهای اسارت خرافات، تابوها و سنن کهن و عقب افتاده از پای انسانها کنده شوند و بشریت با دید انسانی تر، بهتر و متمایزتری از دیگر جانداران به خودش، به بیولوژی اش، به محیط اش و و بنگرد! این نگرش آگاهانه (در این مورد مشخص) نتیجه اش در درجه اول آزادی در انتخاب، در درجه دوم شناخت طبیعی- ژنتیکی جسم انسان و نگرشی طبیعی تر به خودش و پیرامونش و در درجه سوم حداکثر لذت بردن از زندگی، از انتخاب خود و رابطه آزادانه خودش در پارتنر جوئی و غیره است!
- ۲- مذاهب بدلیل "خداگونه" دانستن و بنابر این قطع انسانها از محیط طبیعی شان، حاضر به شناخت وجود چیز دیگری بغیر از جفت گیری در رابطه با رابطه جنسی نیستند! بنابر این برای آنان لذت بردن از سکس، جواگونئی به احتیاجات جسمی و روحی، معنائی طبیعی و واقعی نمی تواند داشته باشد! برای همین مذاهب برای پر کردن این خلاء، وعده بهشت و لذت بردن (البته برای مردان) را می دهند!
- ۳- با مقایسه جوامع حیوانی با اسلامی به این نتیجه می رسیم که حتی حیوانات در باغ وحشها آزادتر و "طبیعی تر" از انسانها در جوامع اسلامی زندگی می کنند!
- ۴- نمونه هائی مانند هم جنس گرایی، هتروسکسوسئل که بر خلاف سانسور و سرکوب حکومتی هائی مانند جمهوری اسلامی چه در جوامع انسانی و چه در میان دیگر موجودات بوفور یافت می شوند، نشان دهنده آنند که نه تنها انسانها، بلکه حیوانات پیشرفته نیز از ایجاد رابطه جنسی چیز بیشتری از تنازع بقا می خواهند! اسم این کلمه مرموز و ناشناخته برای مذهبیون لذت از سکس و رابطه جنسی می باشد!
- ۵- عدم درک و شناخت طبیعی از انسان و دیگر موجودات در میان مذهبیون و اسلام گرایان و کنترل شدید آنان، آنجا که امکان چنین کاری را دارند، سبب گردیده است که جوامع انسانی رو به فقرا کشیده شوند! و یا لافل چرخهای تمدن و بازگشت انسان به انسان و عظمت بشری کندتر گردد!
- ۶- هم جنس گرایی، رابطه آزاد جنسی آزادانه، انتخاب آزاد، پژوهش و درک آزاد، از واقعیتهای طبیعی، ژنتیکی و و حاصل صدها هزار سال و رشد مغز انسانها در هنگام و بعد از اولوتسیون است! مذهب ماشین سرکوب، مافیای مدرنی است که نقش اصلی آن نه ارج گذاری به انسان و انسانیت (بمعنای خداگونه کردن انسان)، بلکه فرمانبر و گوسفند ساختن از انسانها است. متأسفانه مذهب وسیله و اهرمی اختراع شده موثر برای کنترل و عقب نگهداشتن انسانها است! از همین روی ضروری است که در هر عرصه و در هر برهه نقش مذهب و آثار مخرب آن را برای همگان افشا کنیم! و با آن بشدت برخورد کنیم!
- ۷- رابطه آزاد جنسی یکی از اولیه ترین و طبیعی ترین حقوق انسانهاست! این حقوق طبیعی امر خصوصی هر فرد، چه زن و چه مرد است! دخالت دولت، مذهب، حکومت و حتی خانواده در این امر، بایستی بلافاصله ممنوع گردد!
- ۸- تمدن، انسانیت و علم بما آثار وخیم سرکوب، کنترل احتیاجات جسمی و رابطه مستقیم آن با آرامش و صلح اجتماعی را ثابت کرده است! یکی از نتایج دشمن خوئی در جوامعی مانند ایران نتیجه سرکوب و جلوگیری از ارتباط طبیعی جنسی انسانها با یکدیگر است!

۹- بر اساس آمارهای مختلف سالانه بین ۵۰ هزار تا پانصد هزار زن و دختر بچه مثله می شوند! آثار این عمل کثیف و شدیداً ضد انسانی تا مرگ این زنان بر آنان باقی می ماند؛ شبانه روز میلیونها زن بوسیله مذهبیون بخاطر عدم آزادی در انتخابشان مورد تجاوز جنسی واقع می شوند؛ میلیونها جوان تنها در سراسر ایران (چه مرد و چه زن) سرکوب می شوند! و از اولیه ترین حقوقشان محروم می گردند. و این لیست پایانی ندارد!

وقت آن است که این مرتجعین جوابگوی اعمال و کردار خود و قوانین و فرامین مذاهب خود باشند! اگر انسانها از حقوق اولیه خود استفاده می کنند، در انتخاب خود از آنان اجازه نمی طلبند، این حق طبیعی آنان است! در آخر اینکه این غده های سرطانی (مذاهب اند) که باید شرشان را از پیکر جوامع انسانی کم شوند! و به این وسیله رفاه و آرامش به جوامع انسانی بازگردانده شوند.

پایان

---

Sir George Gilbert Scott R.A., surveyor to Westminster Abbey, 1849-1878  
in: Architectural history, 1980